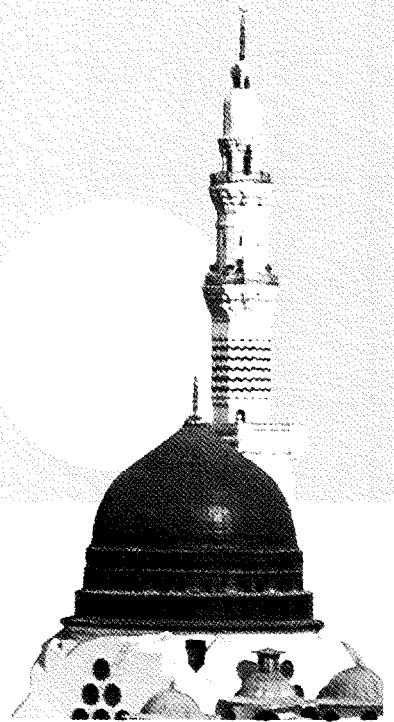


نقد و معرفی کتاب



سیمای مدینه



دریا دار ایوب صبری / علی اکبر مهدی پور

مجموعه «مرآت الحرمین»، شامل اخبار و آثار منتشر شده در کتب مقدّس، در باره مکه مکّرمه و مدینه منوره؛ حوادث و رخدادهای آنها در طول قرون و اعصار؛ تاریخ قبایل متوطن در آنها، از گذشته دور تا اوایل قرن چهاردهم هجری است. مدینه منوره تجلیگاه سینای وجود، جلوه گاه بینش شهود، سرچشمه فیوضات حضرت محمود، حقیقت آرای عنایات معبود، پرستش گاه: «لَمَنِ الْمُلْكُ الْيَوْمَ»^۲؟ پاسخ فرمای: «...لِلّهِ الْوَاحِدِ الْقَهَّارِ»^۳، آستان ملک پاسبان اشرف کاینات، پایگاه حکومت افضل موجودات، مصداق بارز: «فَاخْلَعْ نَعْلَيْكَ...»^۴ کعبه مقصود شیفتگان یار، قبله موعود طالبان فیض حضور و میعادگاه راهیان وادی طور است.

شبم درود بیکران و تحیات بی پایان، برگلبن حدیقه تکوین، رشک فردوس برین، شمیم افزای گلگشت علّین، صدر نشین سلسله مرسلین، فیض یاب «سِدْرَةِ الْمُنْتَهَى» ربّ العالمین^۵، هدایتگر طالبان حق و یقین، نگین انبیا و ختم مرسلین باد! نسیم رحمت حق، بر صدر نشینان صدق و یقین، سلاله پاک ختم المرسلین و پیروان راستین دین مبین باد!

* * *

بر ارباب دانش و بینش پوشیده نیست که حرمین شریفین در طول قرون و اعصار،

همواره مورد توجه محققان و پژوهشگران بوده و آثار فراوانی به زبان فارسی و تازی در این زمینه به رشته تحریر در آمده است. ولی در دیار عثمانی (ترکیه) اثر شایسته‌ای در این رابطه منتشر نشده بود که در اثر توجهات خاص سلطان عبد الحمید ثانی^۶، این کمترین، توفیق تهیّه و تنظیم این اثر ارزشمند را در دو جلد پیدا کرد.

جلد نخست، با عنوان «مرآت مکّه» که به زیور طبع آراسته شد و مورد توجه علاقمندان قرار گرفت و در سطح گسترده‌ای انتشار یافت.

جلد دوم آن، دستخوش حوادث شده، روزگاری بس دراز در بوته تعطیل قرار گرفت.

اکنون خوشوقتم که فرصتی پیش آمد و توانستم دست نوشته‌های خود را تنظیم نموده، نکات ارزشمند فراوانی از کتاب گرانسنگ «خلاصة الوفا بأخبار دار المصطفی» اثر خامه «سمهودی»^۷ برگزینم و بر نوشتار خود - که بر اساس مشاهدات شخصی و تحقیقات دیرینه خود فراهم آمده است - بیفزایم و با عنوان «مرآت مدینه» به دوستان و شیفتگان مدینه الرسول (ﷺ) تقدیم کنم.

* * *



هجرت سرای رسول گرامی اسلام (مدینه)، با چشمه‌سارهای فراوان، باغستان‌های بسیار و بناهای آباد، دوّمین شهر مشهور حجاز است. این شهر، گرچه در عصر جاهلی و برهه‌ای از صدر اسلام، از نظر عمران و آبادی، مورد توجه قرار نگرفته بود، ولی بعدها مورد اهتمام سلاطین و زمامداران قرار گرفت. در عمران و آبادی آن تلاش فراوان شده و امروزه به صورت یکی از شهرهای آباد منطقه در آمده است.

مدینه منوره در دشتی هموار و مرتفع، در ۲۵° درجه و ۲۰ دقیقه عرض شمالی، ۳۷

درجه و ۳ دقیقه طول شرقی قرار گرفته^۸، از شمال به کوه «أحد» و از شرق به کوه «طبری» محدود است.

در میان اهالی مدینه، که تعداد آنها ۳۰۰۰۰ تن تخمین زده می‌شود^۹. تعداد انگشت‌شماری از فرزندان انصار یافت می‌شود. دیگر ساکنان این شهر مقدس، از تبار کسانی هستند که از بلاد دیگر به قصد مجاورت حرم مطهر رسول مکرم (ﷺ) به این شهر مهاجرت کرده، در این بلده طیبه ماوا گزیده‌اند.

به پیروی از احادیث صحیحی که از زبان درر بار پیامبر خدا (ﷺ) شرف صدور یافته، که فرموده‌اند:

(۱) «مَنْ زَارَ قَبْرِي وَ جَبَّتْ لَهُ شَفَاعَتِي».^{۱۰}

(۲) «مَا بَيْنَ قَبْرِي وَ مَنْبَرِي رَوْضَةٌ مِنْ رِيَاضِ الْجَنَّةِ».^{۱۱}

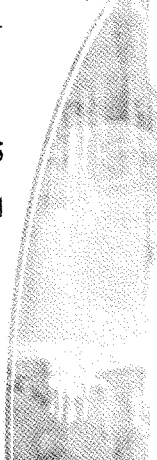
همه حجاج بیت‌الله الحرام - بدون استثنا - همه ساله پیش از مراسم حج یا پس از آن، به قصد زیارت قبر مطهر نبی مکرم (ﷺ) به مدینه منوره مشرف شده، پیشانی ادب بر آستان ملک پاسبان آن حضرت می‌سایند. با زیارت این قبله عاشقان و کعبه مشتاقان، به ذیل عنایت خاتم پیامبران توصل می‌جویند و برای دست‌یابی به شفاعت موعود، در آن روضه منوره حضور می‌یابند و به عبادت حی داور و زیارت قبر پیامبر می‌پردازند.

برخی از این سعادت‌پیشگان، به هنگام تشرّف به عتبه‌بوسی روضه مطهر، آنچنان مجذوب جذبه‌های پیامبر گرامی (ﷺ) قرار می‌گیرند که از شهر و دیار خویش دسته‌شسته، رخت سفر بسته، مجاورت حرم نبوی را بر می‌گزینند.

قسمت اعظم ساکنان مدینه منوره را کسانی تشکیل می‌دهند که خانه و کاشانه خود را ترک کرده، به حضرت دوست پناه آورده‌اند.

در میان قبایل معروف مدینه می‌توان از «آل بری» و «آل سمهودی» نام برد که آل بری از مغرب و آل سمهودی از مصر به این سرزمین آمده و رحل اقامت افکنده‌اند. مدینه منوره در ۴۰۰ کیلومتری شمال مکه^{۱۲} و ۱۰۰ کیلومتری شرق دریای سرخ قرار دارد، مسیر مکه تا مدینه ریگزار و سنگلاخ می‌باشد و به ندرت قابل کشت و زراعت است.

چهار سوی مدینه به وسیله سور بسیار زیبایی به شکل مربع شکسته، محصور است



و چهار طرف آن را رشته کوه‌های به هم پیوسته احاطه کرده، صخره‌های سخت و استواری در جهت باد شمال قرار دارد و قلعه قدیمی و مستحکمی به نام «حصار داخلی» در درون سور مدینه موجود است.

این سور ۱۴۰۰۰ ذراع طول و حدود ۲۰ متر ارتفاع دارد و ضخامت آن به ۱۰ متر می‌رسد.^{۱۳} سنگ‌هایی که در این سور به کار رفته در نهایت سختی و صلابت است.

باروهای مدینه پنج دروازه به اسامی زیر دارد:

(۱) درب المصلأ

(۲) درب الصغیر

(۳) درب الشامی

(۴) درب السوارقیه

(۵) درب البقیع

«درب مصلأ» به نام‌های: درب

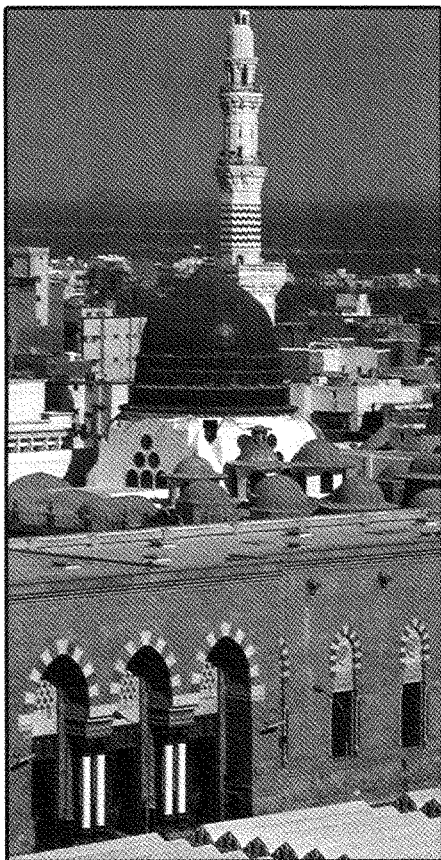
سویقه، باب السُّوق و باب المصر نیز نامیده می‌شد و بر سر در آن، کریمه زیر نبشته شده بود:

﴿إِنَّهُ مِنْ سُلَيْمَانَ وَإِنَّهُ بِسْمِ اللَّهِ
الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، أَلَّا تَعْلَمُوا عَلَيَّ
وَ أَتُونِي مُسْلِمِينَ﴾.^{۱۴}

پایه‌ها و دیوارهای آن، با سنگ‌های سیاه و با صلابت، در نهایت استحکام ساخته شده بود، لیکن با گذشت زمان، قسمت‌هایی از آن فرو ریخته بود.

این دروازه (درب مصلأ) در قسمت غربی سور، در راستای مصلای پیامبر (ﷺ) در روزهای اعیاد، در ۶۴۵ متری باب السلام قرار دارد.

«درب صغیر» در نزدیکی قلعه امیر، در راستای درب مصلأ قرار دارد. نامگذاری



آن به «درب صغیر»، از نظر مقایسه با «باب شامی» است، که به آن درب کبیر نیز گفته می‌شود.

«درب بقیع» در سمت شرقی سور، به عنوان «باب الجمعه» مشهور شده و حدود ۴۳۰ متر از باب جبرئیل فاصله دارد.

یادآوری:

منظور از ذراع که در مورد طول سور مدینه به کار بردیم، همان ذراع معماری است، ولی آنچه در مورد مساحت حجره شریفه و روضه مطهره به کار خواهیم برد، ذراع آدمی است.

«ذراع آدمی» همان ذراع دست است و آن، با توجه به کسری یک هشتم از ذراع متداول در مصر و حجاز، معادل دو وجب خواهد بود، که ذراع رایج در مصر و حجاز معادل یک ذراع و یک سوم ذراع آدمی است.

درب بقیع تا نیمه قرن هشتم بسته بود، ملک صالح مصری در سال ۷۵۵ هـ. آن را گشود و ساکنان آن منطقه را قرین مسرت نمود. ولی مدتی بعد، باز هم مسدود شد و به تدریج پایه‌های آن فرو ریخت و دروازه بودن خود را از دست داد. در نتیجه، تعداد دروازه‌های سور مدینه به چهار کاهش یافت.

پدر سلطان عبد الحمید^{۱۵} در روزگاری که سعادت تجدید بنای روضه مطهر را داشت، برای تسهیل در امر بیرون آوردن وسایل ساختمانی، در میان باب بقیع و باب شامی، درب جدیدی به نام «باب مجیدی» گشود و شمار درهای حصار مدینه به پنج، افزایش یافت.

برج‌های پنجگانه

بر فراز هر یک از دروازه‌های پنجگانه، برجی بسیار زیبا و دلنواز، با نقش و نگار لطیف و روح‌افزا ساخته شده، که وظیفه دیدبانی در برابر تهاجم اعراب بادیه نشین را به عهده دارد.

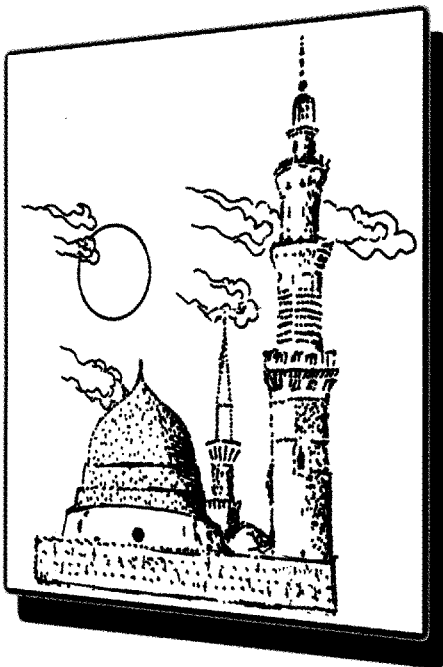
مدینه رسول در عصر رسالت

در عصر سعادت اقران رسالت، در اطراف مدینه چیزی به نام برج و بارو وجود نداشت، بلکه دو قبیله بزرگ «اوس» و «خزرج» دو نیای بزرگ انصار، خانه‌های خود را به شکل ساختمان‌های زنجیره‌ای در کنار یکدیگر و به صورت به هم پیوسته ساخته بودند و در نتیجه، شهر قدیمی مدینه به صورت یک شهر بسیار بزرگ تجلی می‌کرد، که یک سوی آن تا منطقه روح افزای «قبا» رسیده بود.

آبادانی شهر مدینه در عصر رسالت به اوج خود رسید و تا هنگامه فاجعه دلخراش و خانماسوز «حزّه» هر لحظه بر زیبایی آن افزوده می‌شد، ولی از آن تاریخ به بعد، رو به ویرانی نهاد و در عهد «طائع لله»^{۱۶} محل تاخت و تاز اعراب بادیه نشین شد. اموال و اشیای اهالی به تاراج رفت، تا عضدالدوله وزیر شایسته آل بویه^{۱۷} در سال ۳۶۰ هـ.^{۱۸} برای حفاظت و حراست از ساکنان حریم نبوی، در برابر چپاولگران بدوی، باروی بسیار مستحکمی ساخت.

برج و باروی مدینه

حصار محکمی که عضدالدوله بنیاد نهاد، حدود دو قرن پا برجا بود و در مواقعی به تعمیر و مرمت نیاز پیدا می‌کرد. باگذشت زمان، برخی از برجها، باروها و قسمتهایی از دیوارهای آن فرسوده شد و فرو ریخت. بادیه نشینان بی‌فرهنگ با نفوذ از نقاط یاد شده، به ایذا و آزار اهالی مدینه دست یازیدند.



به سال ۴۵۰ هـ. جمال‌الدین محمد بن ابی منصور اصفهانی، صاحب رباط عجم^{۱۹} سور محکمی بر شالوده‌های کهن ساخت و قسمت‌های فرسوده را بازسازی کرد و اهالی مدینه را از هجوم اشقیای رهایی داد.

در کتابی که به قلم «شهاب‌الدین ابن ابی شامه» به رشته تحریر درآمده، از ابن اثیر نقل کرده که گفت:

روزی در مسجد النبی (ﷺ) یکی از اهالی مدینه را دیدم که در مورد «جمال‌الدین اصفهانی» دعای بسیار عریض و طویلی نمود، از علت آن جو یا شدم. گفت: همه اهالی مدینه، همه روزه در حق او دعای خیر می‌کنند؛ زیرا او بود که اهالی این شهر را از شرّ بادیه‌نشین‌های مهاجم نجات داد.

پیش از آنکه وی باروی مدینه را بازسازی کند، اشقیای بدوی به این شهر مقدس یورش می‌بردند. دامها را غارت می‌کردند و ما لحظه‌ای از شرّ آنها در امان نبودیم. از این رهگذر نه فقط ما، بلکه خطیب جمعه نیز در خطبه‌های نماز جمعه می‌گوید: «بارالها! حریم محمد بن علی بن ابی منصور را محافظت فرما! چنانکه او حریم پیامبرت را محافظت نمود. خدایا! او را مورد مغفرت قرار داده، در رضوان خود جایش عطا فرما!»

«ابن خلکان» انتساب اولین سور مدینه به آل بویه را مورد تردید قرار داده، معتقد است که نخستین باروی مدینه به سال ۱۶۳ هـ. به فرمان «اسحاق بن محمد جعدی» بنیاد شده و چهار درب داشته، که یکی به سوی قبرستان بقیع، دیگری به سوی وادی عقیق، سومی به طرف قبور شهدای احد و چهارمی به سوی غرب باز می‌شده است.

او می‌افزاید: این سور با گذشت زمان از میان رفت تا اینکه آل بویه آن را مرمت کردند و یا سور دیگری در اطراف آن کشیدند؛ ولذا بنیاد برج و باروی مدینه به آل بویه نسبت داده شد.

دیگر مورخان این نظریه را مردود دانسته، نخستین سور مدینه را به معزالدوله (وزیر آل بویه)^{۲۰} و تجدید بنای آن را به جمال‌الدین اصفهانی (صاحب رباط عجم) به‌طور قطع و یقین نسبت داده، این نقل را بر دیگر نقل‌ها ترجیح داده‌اند.

آنان‌که ویرانه‌های سور قدیمی عضدالدوله را مشاهده کرده‌اند، می‌گویند: این سور

از «کوه سلع» تا «وادی بطحانه» ادامه داشت و مصلاهی اعیاد پیامبر خدا (ﷺ) که در زمان ما به عنوان «مسجد النبی» شناخته می‌شود، با همه بیوت وابسته در داخل آن سور قرار داشت و سور قدیم بسیار پهن و عظیم بود.

پس از بازسازی سور، توسط جمال‌الدین اصفهانی و تأمین آسایش و امنیت اهالی، روز به روز ساکنان مدینه رو به افزایش نهاد. به طوری که محدوده سور پاسخگوی این همه جمعیت نشد. فقرای مدینه ناگزیر هر کدام زمینی در بیرون سور فراهم کرده، در حدّ توان، خانه و سرپناهی ساختند و در بیرون سور مسکن گزیدند.

با تأسیس این خانه‌ها در خارج سور، اعراب بادیه‌نشین فرصت یافته، دست به چپاول گشودند و به این خانه‌ها یورش بردند و اموالشان را غارت کردند و زنان و کودکان را اسیر گرفتند.

شهید نورالدین، وضع اسفبار این بینوایان را نزد سلطان محمود بن زنگی گزارش کرد و از او تقاضا نمود که با تأسیس سور وسیع‌تری، این خانه‌ها را در داخل سور جای دهد.

این سور که بقایای آن در مدخل شهر مدینه مشاهده می‌شود، به سال ۵۵۸ هـ. تأسیس گردید و ساکنان محلات جدید مدینه را از شرّ بادیه‌نشینان یغماگر نجات داد. بر سر در یکی از درهای سور، که در محاذات قبرستان بقیع قرار دارد، تابلویی موجود است که عبارت زیر در آن حک شده است:

«بندۀ نیازمند خداوند بی‌نیاز، محمود بن زنگی بن آق سنقر، به سال ۵۵۸ هـ. به تأسیس این سور فرمان داد.»

به استناد این نبشته، بسیاری از مورّخان این سور را به سلطان محمود زنگی نسبت داده‌اند. در حالی که در این نوشتار تصریح نشده که وی بانی و بنیانگذار این سور باشد، بلکه بی‌گمان این سور توسط شهید نورالدین ساخته شده است.

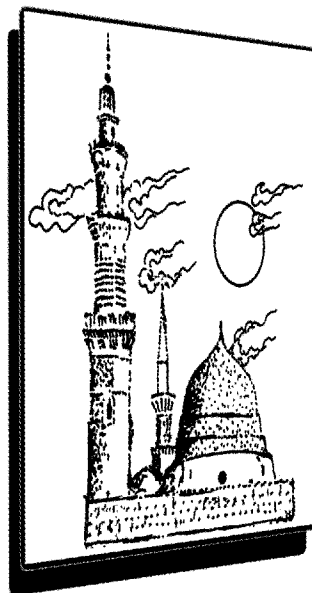
شهید نورالدین ابوالقاسم محمد زنگی، فرزند ملک منصور عمادالدین بن ابی‌الجواد، به سال ۵۵۱ هـ. به حکومت رسید و در سال ۵۶۹ هـ. در ۵۴ سالگی دیده از جهان فرو بست.

سور مدینه‌ای که یادگار شهید نورالدین می‌باشد، به مدت ۱۵۰ سال اهالی مدینه را از شرّ اعراب مصون نگه‌داشت و سرانجام آن نیز با مرور زمان رو به فرسایش نهاد و خندقی که توسط سعدبن ثابت حفر شده بود، نیز رو به ویرانی گذاشت. ساکنان دارالهجرت نبوی مورد هجوم اشقیای بی‌فرهنگ قرار گرفتند، تا ملک صالح، فرزند ناصر قلاون مصری، به سال ۷۵۵ هـ. آن را بازسازی کرد و سلطان قایتبای بر پایه‌های نخستین استوارش ساخت.

حفر خندق یاد شده، به سال ۷۵۱ هـ. از سوی سعدبن ثابت جماز، والی مدینه، براساس قراردادی که به امضای اعیان و اشراف مدینه رسیده بود، آغاز شد. پس از درگذشت او، توسط «فضل بن جماز» والی بعدی، پایان یافت، ولی باکمال تأسف در مدت کوتاهی، در اثر بی‌توجهی و بی‌انضباطی پرگشته به صورت صاف و هموار درآمد، آنگاه به عنوان باغچه و بستان از آن استفاده شد.

از عهد ملک قایتبای مصری تا زمان سلطان سلیمان بن سلطان سلیم عثمانی، هیچ تعمیر و اصلاحی در سور مدینه به عمل نیامد و صدمه‌های فراوانی به برج و باروی آن وارد شد و باز هم تاخت و تاز بادیه‌نشینان آغاز گشت. اغنام و احشام اهالی مورد دستبرد اشقیای قرار گرفت.

به سال ۹۳۷ هـ. وضع اهالی مدینه به سلطان سلیمان گزارش شد. فرمان تعمیر و مرمت آن را به افتخار والی مصر صادر کرد. والی مصر با ابزار و ادوات لازم، راهی مدینه شد و ضرورت بازسازی دیوار به طول ۴۰۰۰ ذراع، به ارتفاع ۱۷ متر و ضخامت ۱۰ متر ثبت گردید. کارگزاران لازم فراهم شد و در اواسط ۹۳۹ هـ. خاک برداری و پی‌کنی آن آغاز و در اواخر ۹۴۶ هـ. به پایان رسید. در این بازسازی که هفت سال طول کشید، چهار



در به سور خارجی و دو درِ بزرگ به سور داخلی گشوده شد. یکی از درهای سور داخلی، همه روزه باز و بسته می‌شد. درِ دیگر، تنها در مواقع لزوم باز می‌شد. از این رهگذر آن را «باب السّر» نام نهادند. لنگه‌های درهای سور داخلی و خارجی، با قطعات آهن استحکام یافت و باب السّر تمامی از آهن ساخته شد. برج‌ها و باروها بسیار مرتفع، خندق‌ها بسیار عمیق و دیوارها بسیار محکم و استوار گردید. برای اینکه ساکنان مدینه هرگز دچار بی‌آبی نشوند، دو کانال بزرگ از «عین زرقا» کشیده شد؛ یکی ویژه بانوان و دیگری ویژه آقایان.

هزینه بازسازی باروها

صاحب «مفتاح السعادة» می‌نویسد: سلطان سلیمان برای تجدید سور مدینه، مبلغ ۶۰/۰۰۰ اشرفی، سید کبریت مدنی نیز ۱۰۰/۰۰۰ اشرفی هزینه کردند. علاوه بر آن، مقدار ۱۴۰۰۰ اردب^{۲۱} گندم، جو، برنج، عدس و سایر حبوبات و مقدار زیادی از دیگر ابزار و ادوات به دارالهجرة نبوی ارسال گردید. در ضمن این بازسازی‌ها، دیوار غربی حرم نبوی، مناره شکلیه و باب‌الرحمه نیز تجدید بنا گردید. «ادامه دارد»

پانوشته‌ها:

۱. دریا دار سرتیپ ایوب صبری، نویسنده کتاب ارزشمند «مرآت المدینه»، که بخش مختصری از آن در این شماره تقدیم خوانندگان گرامی شد، در اوایل قرن ۱۹م. در دهکده «آرمیه» در جنوب شرقی «تسالیبا» در ۲۵۰ کیلومتری «آتن» پایتخت یونان دیده به دنیا گشود. وی پس از گذراندن تحصیلات عالی، به مقام «مین باشی» (سرتیپ) در دولت عثمانی نایل آمد، سپس به سرپرستی مدرسه عالی نیروی دریایی و ریاست دیوان محاسبات ارتش عثمانی برگزیده شد و در ماه صفر ۱۳۰۸ هـ. (برابر ایلول ۱۸۹۰م) درگذشت.

از او آثار ارزشمند فراوانی برجای ماند که از آن جمله است:
(۱) احوال جزیره العرب.

- ۲) اسباب العنایه، در ترجمه بدایة النهایه.
 - ۳) تاریخ وهابیان.
 - ۴) ترجمه شمائل شریف.
 - ۵) تکملة المناسک.
 - ۶) ریاض الموقنین.
 - ۷) شرح بآنت سعادت.
 - ۸) محمود السیر، در سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله.
 - ۹) مرآت الحرمین، تاریخ مکه و مدینه، در ۵ مجلد.
 - ۱۰) نجات المؤمنین (احکام و معارف).
- گفتنی است، همه آثار یاد شده به زبان ترکی استانبولی می باشد.

۲. غافر: ۱۶

۳. همان.

۴. طه: ۱۲

۵. اشاره به معراج و کریمه **﴿عِنْدَ سِدْرَةِ الْمُنْتَهَى﴾**: النجم: ۱۴

۶. سلطان عبدالحمید خان ثانی، سی و چهارمین پادشاه عثمانی، جلوس ۱۲۹۳-۱۳۲۷ ه.ق.

۷. سمهودی، نور الدین علی بن احمد مصری (متوفای ۹۱۱ ه.) کتاب گسترده‌ای در باره مدینه منوره نوشت و آن را «اقتفاء الوفا بأخبار دار المصطفی» نام نهاد و سپس آن را تلخیص کرده، با عنوان «وفاء الوفا بأخبار دار المصطفی» به رشته تحریر درآورد. این کتاب در چهار جلد بزرگ، به سال ۱۳۷۴ ه. در مصر به طبع رسید و سپس بارها در لبنان افست شده است.

سمهودی یکبار دیگر آن را تلخیص کرده، به نام «خلاصة الوفاء بأخبار دار المصطفی» نشر داده است.

مؤلف (ایوب بصری) در کتاب مرآت مدینه، از گزینه سوم مطالبی برگزیده و بر کتاب خود افزوده است.

۸. موقعیت جغرافیایی شهر مدینه در منابع جدید چنین آمده: مدینه در مدار ۳۹ درجه و ۳۶ دقیقه شرقی در خط طولی و ۲۴ درجه و ۲۸ دقیقه و ۵ ثانیه در خط عرضی قرار دارد. [جعفریان، رسول، آثار اسلامی مکه و مدینه، ص ۱۳۹].

۹. یعنی در ایام تألیف کتاب، و امروزه آمار ساکنان مدینه، از مرز ۶۰۰/۰۰۰ نفر گذشته است.

۱۰. تقی الدین سبکی شافعی، متوفای ۷۵۶ ه. کتاب ارزشمند «شفاء السقام» را با این حدیث آغاز کرده و دهها منبع برای آن برشمرده است. [شفاء السقام، چ حیدر آباد دکن، ۱۴۰۲ ه. ص ۲-۱۴].

۱۱. کلینی، فروع کافی، ج ۴، ص ۵۵۳

۱۲. در متن «غرب مکه» که صحیح آن «شمال مکه» و صحیح تر آن «شمال شرقی مکه» می باشد. و فاصله مدینه تا مکه را در منابع فعلی ۴۵۰ الی ۵۰۰ کیلو متر می نویسند.

۱۳. در متن «آرشون» تعبیر شده و آن کمی بیش از یک متر می‌باشد، ولی ما به جای آرشون، تعبیر متر را به کار بردیم.

۱۴. نمل: ۳۰ و ۳۱

۱۵. پدر وی: سلطان عبد‌العزیز، سی و دومین پادشاه عثمانی، جلوس ۱۲۷۷ - ۱۲۹۳ ه.ق.

۱۶. الطائع لله، فرزند المطیع لله، از خلفای عباسی، روز ۱۳ ذی‌قعدة ۳۶۳ ه.ق. به دنبال خلع پدرش از خلافت، بر مسند خلافت نشست و تا روز ۱۹ شعبان ۳۸۱ ه.ق. حکم راند. در تاریخ یاد شده، بهاء‌الدوله او را وادار به خلع خویشتن از خلافت نمود و در شب عید فطر ۳۹۳ ه.ق. درگذشت. [سیوطی، تاریخ الخلفاء، ص ۴۱۰].

۱۷. عضد‌الدوله بویه، وزیر شایسته «طائع لله عباسی» آثار ارزشمند فراوانی از خود به یادگار نهاد، که از آن جمله است:

۱) گنبد و بارگاه حرم مطهر مولای متقیان در نجف اشرف.

۲) گنبد و بارگاه سالار شهیدان در کربلای معلّی.

۳) گنبد و بارگاه ائمه بقیع در مدینه منوره.

۴) ساختمان دار الشفای بغداد.

۵) بازار مشهور به: «سوق‌الأمیر» در شیراز. [مؤلف].

۱۸. به نقلی دیگر در سال ۳۶۳ ه. [مؤلف].

۱۹. رباط عجم در بخش‌های بعدی معرفی خواهد شد. [مؤلف].

۲۰. دولت آل بویه را سه برادر به نام‌های: علی، حسن و احمد، پسران ماهی‌گیری به نام «بویه» اهل گیلان تشکیل دادند. علی بر فارس، احمد بر کرمان و حسن بر ری، کاشان، اصفهان و همدان چیره شدند.

احمد به سال ۳۳۴ ه. بغداد را گرفت. خلیفه مکتفی (۳۳۳ - ۳۳۴) او را معزّ‌الدوله، علی را عماد‌الدوله و حسن را رکن‌الدوله نامید. از آن پس، خلفای عباسی به اطاعت آنها گردن نهادند. [دکتر محمد معین، فرهنگ معین، ج ۵، ص ۵۱].

عضد‌الدوله دیلمی (۳۳۸ - ۳۷۲ ه.)، پادشاه مقتدر آل بویه، پسر همین رکن‌الدوله حسن می‌باشد. [همان، ج ۵، ص ۱۱۷۹].

۲۱. «اردب» معادل هزار اوقیه، و «اوقیه» واحد وزن می‌باشد. هر «اوقیه» به وزن مکه به سنگ زر: هفت مثقال و نیم و به سنگ نقره: ده درهم و چهار دانگ باشد. [دهخدا، لغتنامه، حرف الف، ص ۵۰۰].



